

In the Name of Allah

گرامر و راییتینگ درس اول پایه یازدهم :

Countable & Uncountable Nouns

اسم های قابل شمارش و غیرقابل شمارش

اسم قابل شمارش : اسم هایی که هم شکل مفرد و هم شکل جمع دارند و شکل مفرد آنها ، معمولاً با a /an بکار می رود .

a book - books

a chair - chairs

a person - people

a man - men

a child - children

a tooth - teeth

a dollar - dollars

a sheep - sheep

اسم غیر قابل شمارش : اسم هایی که شکل جمع ندارند و یک شکل دارند و شکل مفرد آنها با a /an بکار نمی رود .

تعدادی از اسم های غیر قابل شمارش که در ممدوده ی کتابهای درسی و تستهای کنکور می باشند عبارتند از :

الف: اکثر مایعات، نوشیدنی ها و گاز ها :

fuel , blood , water , milk , tea , juice , coffee , oxygen , smoke , air

ب:اسم های مربوط به جنس، مواد و برقی از غذا ها :

silver , gold , cotton , wood , iron , meat , butter , bread , rice , sugar , salt , soup

ج:زبان ها :

English, Persian, Chinese, Arabic

د: برقی از اسم های معنی (انتزاعی) :

love, honesty, happiness, beauty, health, knowledge

ه - برقی اسم های غیر قابل شمارش دیگر عبارتند از :

money, homework, information, advice, furniture, weather, traffic, news, time, food, light, play, room, noise, work, glass, paper

صفات کمی و کلمه پرسشی که قبل از اسامی قابل شمارش می آیند عبارتند از :

تعداد خیلی کم(کافی نیست) = تقریباً هیچ = few (-) مفهوم منفی دارد.	I have <u>few</u> friends here. I feel lonely. من دوستان خیلی کمی اینجا دارم. احساس تنهایی می کنم.
تعداد کمی = چند تایی = a few (+) مفهوم مثبت دارد.	I have <u>a few</u> friends here. I don't feel lonely. من چندتایی دوست اینجا دارم. احساس تنهایی نمی کنم.
تعداد زیادی = many بیشتر در جملات سولی و منفی استفاده می شود.	Are there <u>many</u> cars in the street? I don't have <u>many</u> friends.
تعدادی = several	<u>several</u> animals تعدادی میوان
چند تا / چه تعداد؟ = how many	How many pencils do you have?

صفات کمی و کلمه پرسشی که قبل از اسامی غیرقابل شمارش می آیند عبارتند از :

(-) little مقدار خیلی کم (ناکافی) مفهوم منفی دارد	I have <u>little</u> money. We can't buy fruit. من مقدار خیلی کمی پول دارم. ما نمی توانیم میوه بخریم.(واسه خریدن میوه پولم کافی نیست)
(+) a little=(مفهوم مثبت دارد)	I have <u>a little</u> money. Let's buy some fruit. من مقدار کمی پول دارم. بیا مقداری میوه بخریم.(واسه خریدن میوه پولم کافی است).
much= مقدار زیادی بیشتر در جملات سوالی و منفی استفاده می شود.	I didn't buy <u>much</u> bread. Is there <u>much</u> water in the glass?
how much= چه مقدار ؟	<u>How much</u> money do you need?

صفات کمی که هم قبل از اسامی قابل شمارش و هم اسامی غیرقابل شمارش می آیند عبارتند از :

some= تعدادی / مقداری (در جملات خبری مثبت استفاده میشه)	There is <u>some</u> bread on the table. There are <u>some</u> plates on the table
a lot of =تعداد یا مقدار زیادی(رسمی) lots of =تعداد یا مقدار زیادی(غیررسمی) plenty of =تعداد یا مقدار زیادی (بیشتر در جملات خبری مثبت استفاده می شوند.)	She needs <u>a lot of</u> books. He has <u>lots of</u> friends. She has <u>plenty of</u> money.
all= همه	<u>all</u> the girls <u>all</u> the money
any= هیچ در جمله های منفی و سوالی به جای some استفاده می شود.	Do you have <u>any</u> money? I don't have <u>any</u> brothers.
no=هیچ (در جمله های خبری استفاده می شود و مفهوم منفی دارد.)	I have <u>no</u> time. She has <u>no</u> Spanish books.

کلمات اندازه گیری و پیمانه ها برای اسامی غیر قابل شمارش

Containers & Measure Words for Uncountable Nouns

a bottle of یک بطری	water/ milk
a cup of یک فنجان	tea / coffee
a glass of یک لیوان	water / milk / juice
a bag of یک کیسه	rice/sugar/flour
a piece of یک تکه / یک	cake/ paper/ advice / bread/ cheese/ news/ furniture/ wood / land/ information / clothing
a slice of یک قاچ/ تکه	cake / cheese / melon / pizza
a kilo of یک کیلو	rice/ meat
a loaf (loaves) یک قرص	bread
a drop of یک قطره	water/ rain/ blood
a jar of یک شیشه (ظرف)	jam / honey
a bar of یک قالب / یک شمش	chocolate / gold/ soap
a carton of یک کارتن / پاکت	milk/ juice/ ice cream
a can (tin) of یک قوطی	soup / tuna / paint
a bowl of یک کاسه (پیاله)	soup
a sheet of یک ورق	paper / metal / ice
a tube of یک لوله (تیوبی)	glue / toothpaste
a packet/box of یک بسته	sugar / tomato sauce

نکته: برای شمارش اسم های غیر قابل شمارش، از کلمات اندازه گیری و ظروف (پیمانه ها) استفاده می کنیم. که این کلمات اندازه گیری (مُمیزها) را می توانیم جمع ببندیم، اما خود اسم های غیر قابل شمارش بدون تغییر می ماند (جمع بسته نمی شوند).

1-She drinks two cups of tea every morning.

او هرروز صبح دو فنجان چای (دوتا چایی) می خورد (می نوشد).

2-I bought three loaves of bread yesterday morning.

سه قرص نان (سه تا نان) دیروز صبح خریدم.

نکاتی در مورد نوشتن و فواندن اعداد:

1- اعداد ، قبل از اسم های قابل شمارش می آیند. اگر عدد یک (one=1) بیاد، اسم بصورت مفرد می آید ، اما بعد از بقیه ی اعداد (two, three, four ...) اسم بصورت جمع میاد.

one book - three books - ten books

2- در نوشتن اعداد (21 تا 99) بصورت مروفی، به جزء مضرب های ده (...30-20-10) ، بین دهگان و یکان این اعداد، فط تیره کوتاه (hyphen , (-)) گذاشته می شود.

21= twenty-one 22= twenty-two 45= forty-five 99 = ninety-nine

3- به فواندن و نوشتن اعداد زیر بصورت مروفی دقت شود.

100= one hundred	200 = two hundred
1000=one thousand	2000 = two thousand
1000000 = one million	2000000 = two million
1000000000 = one billion	2000000000 = two billion

نکته 1: اگر اعداد (hundred, thousand, million, billion) قبل از اسم بیایند. (یعنی نقش صفت را داشته باشند)، (S) جمع نمی گیرند.

1-There were about two hundred people at the meeting. (جمله درست)

2-There were about two hundreds people at the meeting. (جمله نادرست)

نکته 2: اگر اعداد، با سافتار (hundred, thousand, million , billion) of + nouns)، (S) جمع می گیرد.

1-It has happened hundreds of times.

2- Millions of people live in this area.

نکته 3: به سافتار زیر ، در ترتیب اعداد ، صفات و اسم ها که پشت سر هم در یک جمله استفاده می شوند، دقت کنید .

اسم + صفت + عدد

1-There are five beautiful trees in the garden.

2- She took forty-six interesting photographs yesterday.

بخش رایتینگ درس اول زبان یازدهم:

Simple Sentences

جملات ساده (در زبان انگلیسی

- هر جمله ساده در زبان انگلیسی، باید حداقل یک فاعل (subject) و یک فعل (verb) داشته باشد.

1- My father is sleeping.

subject verb

ترتیب معمول قرار گرفتن کلمات در جمله های ساده ، در زبان انگلیسی عبارتند از :

subject + verb + object + adverb of manner + adverb of place + adverb of time.

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + فاعل

2-Our teacher	explained	the lesson	carefully	in class	yesterday.
subject	verb	object	adverb of manner	adverb of place	adverb of time

نکته 1: جمله می تواند هم فعل اصلی داشته باشد و هم فعل کمکی.

3-They can ride a bike.

فعل اصلی + فعل کمکی

نکته 2 : قید های تکرار (adverbs of frequency) معمولاً بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می آیند.

always / usually / often / sometimes / rarely / seldom / never...

6- He usually comes to class late. 7-She may often be late. 8-They are usually on time.

نکته 3: گاهی اوقات ، قید های حالت قبل از فعل اصلی می آیند (بویژه در جملات مجهول ، قبل از اسم مفعول pp می آیند).

9-The lesson was carefully explained by the teacher yesterday.

نکته 4 : برقی از افعال، دو مفعول دارند. (1- مفعول مستقیم 2- مفعول غیر مستقیم). به سافتر های زیر توجه کنید.

مفعول غیر مستقیم مفعول + to/for مفعول مستقیم

10-I gave a book to Mina last week.

11- I will buy a cellphone for you next week.

مفعول مستقیم + مفعول غیر مستقیم

12-I gave Mina a book last week.

13-I will buy you a cellphone next week.

گرامر درس دوم زبان انگلیسی پایه یازدهم :

Present Perfect

مال کامل (ماضی نقلی)

طرز ساخت زمان مال کامل (ماضی نقلی) : **subject + have / has + pp + ...**

1-We have lived in Tehran since 2012.

2-She has lived in Tehran for 8 years.

نکته 1: Past participle = اسم مفعول (pp) افعال با قاعده با افزودن { d/ed } ساخته می شود و افعال بی قاعده باید

اسم مفعول (شکل سوم) آن ها را مفظ کنیم .

play - played - played
put - put - put

study - studied - studied
buy - bought - bought

watch - watched - watched
go - went - gone

نکته 2: برای منفی کردن مال کامل (ماضی نقلی) به فعل های کمکی { have / has } ، (not / n't) افزوده می شود.

3- I have not done my homework yet.

4- She hasn't spoken to me since last week.

نکته 3: برای سؤالی کردن مال کامل (ماضی نقلی) ، جای فعل کمکی { have / has } با فاعل عوض می شود.

5- Have you finished your homework yet?

6- Has she lived in Tehran for 8 years?

7- How long have you lived in this house?

نکته 4: در زمان ماضی نقلی ، مخفف (شکل کوتاه شده) " has " بصورت ('s) و مخفف have بصورت ('ve) می باشد.

8-We've studied English for 2 hours.

9-It's rained here since last night.

***موارد کاربرد مال کامل (ماضی نقلی) :

1- برای بیان کاری یا عملی که در گذشته نامعلوم انجام شده است :

10- I have seen this film.

این فیلم را دیده ام. (در زمانی در گذشته)

11. I have read this book.

این کتاب را خوانده ام. (در زمانی در گذشته)

2- بیان کاری یا عملی در گذشته ، که اثر آن به صورت (فیزیکی یا ذهنی) در زمان مال باقی مانده است.

12- I have memorized the dialog.

من دیالوگ را مفظ کرده ام. (الان هم مفظم هست.)

13- I have opened the door.

من در را باز کرده ام. (الان هم در باز است.)

3- برای بیان کار یا عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان مال ادامه داشته است. { for / since }

14-We have lived in this house for 12 years.

برای دوازده سال است که در این خانه زندگی کرده ایم.

15- They have been at the hotel since last week.

از هفته گذشته در این هتل بوده اند.

✓ **for** (برای) با طول دوره ی زمانی بکار می رود.

(**for** 2 hours/ 5 days/ a week/ 2 months /3 years/ ...)

✓ **Since** (از) با شروع و مبدا زمان به کار می رود.

(**since** two o'clock/ this morning / last week / 1998 / ...)

***نکات اضافی در مورد { **for / since** }

✓ اگر **بعد از since** جمله بیاید، معمولاً بصورت گذشته ساده و جمله قبل از آن حال کامل (ماضی نقلی) می باشد.

16- I **haven't played** football **since** I **left** university.

✓ اما با توجه به مفهوم جمله گاهی اوقات **بعد از since** جمله به صورت ماضی نقلی (حال کامل) هم بکار می رود.

17- I've known her **since** I **have lived** here.

✓ **بعد از since then** (از اون زمان به بعد) جمله به صورت ماضی نقلی (حال کامل) بکار می رود.

18- I **left** school in 2012, and **since then** I've lived in London.

- به تفاوت دو جمله زیر دقت شود.

19- He **hasn't smoked** a cigarette **since** last month.

او از هفته قبل سیگار نکشیده است.

20- He **hasn't smoked** a cigarette **for** *the* last month.

او در طول یک هفته گذشته سیگار نکشیده است.

- در مثال 20، به مرف تعریف (the) قبل از (last month) دقت شود.

4- بیان کار یا عملی در گذشته نزدیک با قید های (just به تازگی / اندکی قبل / lately اخیراً / recently اخیراً)

21- They **have just left** home.

22- David **has recently come back** from Canada.

23- I **have been** very busy **lately**.

5- برای بیان کار یا عملی که قبل از حال (در زمان گذشته) چندین بار تکرار شده است. (امکان وقوع این عمل در آینده هم

وجود دارد.)

24 - He **has written** 3 books and he is working on another one.

25- I **have seen** this film **several times** .

26- My uncle is a writer. He **has written** many books.

- در مثال زیر ، امکان وقوع عمل در آینده وجود ندارد ، در نتیجه از گذشته ساده استفاده شده است.

27- My uncle died last year. He **wrote** many books. -

6 - با قیدهای 1- (تا کنون) = { **so far, until now / up to now** } 2- هنوز= **yet** } در جملات منفی و سوالی

3- **already** = قبلاً 4 - **ever, never,** 5- **in /for the last few days**

28- We **have taken** 3 tests **so far**.

29- We **have had** 20 Olympic Games **up to now**.

30- I **haven't finished** my homework **yet**.

- 31- Has she finished her homework yet?
32- I have already done my homework.
33- Have you ever been to Paris? No, I have never been there.
34- I have met a lot of people in /for the last few days.

7- بعد از صفات عالی مانند the best, the most (beautiful), the worst و اعداد ترتیبی the first, the second, ...

- 35- This is the best book that I have ever read.
36- This is the first time I've driven a car.
37- This is the most beautiful park that I've ever seen.
38- I have lost my passport. It is the second time this has happened.

8- با قیدهای زمان today, this morning, this week / month, this evening

اگر موقع گفتگو و بیان کردن آن کار یا عمل، موعده آن زمان تمام نشده باشد.

- 39- I have written 3 letters this morning.

امروز صبح 3 نامه نوشته ام. (امروز صبح هنوز تمام نشده است)

9- مقایسه مال کامل با گذشته ساده در برمی ازهملات :

- 40- Tom has lost his key. (کلیدش هنوز پیدا نشده است.)

- 41- Tom lost his key. (تمی دانیم کلیدش پیدا شده است یا نه.)

- 42- My friend has been to Paris. (Now he is at home again.)

- یعنی دوستم قبلا در پاریس بوده و الان دیگر آنجا نیست. (یعنی الان به خانه و یا وطنش برگشته است)

- 43- My friend has been in Paris for 2 years.

- دوستم 2 سال است که در پاریس بوده است. (یعنی الان هم در پاریس است.)

- 44- My friend has gone to Paris. (He is in Paris now.)

- دوستم به پاریس رفته است. (یعنی رفته به پاریس و به خانه و یا وطنش برنگشته است.)

- 45- She has lived in Tehran for six years.

(او 6 سال در تهران زندگی کرده است. (الان هم در تهران زندگی می کند.)

- 46- She lived in Tehran for six years.

(او 6 سال در تهران زندگی کرد. (الان در تهران زندگی نمی کند.)